



یکی از نام‌های بسیار رایج در دوره ایران باستان نام اردوان اردوان *ardavān* است. این نام از دو جزء «ارد» *arda* به معنای مقدس و «وان» *van* تشکیل شده است. وان که صورت امروزی آن «بان» است به معنای «نگاه دارنده» و «حافظ» است، چنان که در واژه‌های نگاهبان، دیده بان کاربرد دارد. «ارد» که صورت اولیه آن، «آرت» است معنای «مقدس»، «شریعت» و «قانون الهی» را دارد. در سانسکریت به صورت «ریتا» *rita* و در اوستایی «آرتا» *arta* است. بنابراین اردوان به معنای نگاهبان شریعت خواهد بود.

«ارد» در نام‌های اردشیر، اردکان، اردبیل نیز به همین معنا به کار رفته است. بنابراین نام اردوان، هم گویای قدمت، هم فرهنگ دینی و هم بلند مرتبگی دارندگان این نام خواهد بود.

شماری از بلندپایگان ایران در عصر هخامنشی، تنی چند از شاهان اشکانی، تعدادی از بزرگان ایران در دوره‌های اشکانی و ساسانی، و ایرانیان برجسته دیگری در دوران باستان، اردوان نام داشتند که به ترتیب زمانی به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. برادر داریوش یکم، شاه هخامنشی و پسر ویشتاسپ. در ۵۱۴ ق. م، هنگامی که داریوش یکم در تدارک لشکرکشی بر ضد سکاها بود، اردوان با این لشکرکشی مخالف بود و تسلیم ناپذیری سکاها را به داریوش گوشزد کرد، ولی نتوانست او را متقاعد کند (هرودوت، کتاب ۴، بند ۸۳). اردوان در این لشکرکشی همراه داریوش بود (همان، بند ۱۴۳).

در ۴۸۶ ق. م به هنگام درگذشت داریوش یکم، میان پسرانش آریارسه و خشایارشا بر سر جانشینی او اختلاف پیش آمد و بزرگان پارسی اردوان را که عموی آن دو بود، برای داوری میان آن‌ها تعیین کردند. او سلطنت را حق خشایارشا دانست (پلوتارخ، ۱۹۷۰ م، کتاب ۴، بند ۱۸).

در ۴۸۰ ق. م، اردوان با حمله خشایارشا یکم به یونان مخالفت کرد و خشایارشا از سخنان او در خشم شد (هرودوت، کتاب ۷، بند ۱۱-۱۰). مدتی بعد اردوان با خشایارشا همراهی شد (همان، بند ۱۸). اما بعد دوباره او را از این لشکرکشی بر حذر داشت. خشایارشا نظر او را نپذیرفت. وی سپس اداره امور ایران را در غیاب خود به اردوان سپرد (همان، بند ۵۳-۴۷). خشایارشا پس از تسخیر آتن، سواری را به شوش فرستاد تا اردوان را از پیروزی خود آگاه سازد (همو، کتاب ۸، بند ۵۴).

۲. یک قاضی ایرانی در بابل در زمان سلطنت داریوش یکم (۴۸۶-۵۲۲ ق. م)، شاه هخامنشی (داندامایف، ص ۶۴۷).

۳. یک کارگزار امور اقتصاد شاهی در جنوب غرب ایران در زمان سلطنت داریوش یکم، شاه هخامنشی (هلک، ص ۷۰۳).

۴. سرداری ایرانی در الفانتین مصر، در ۴۸۶ ق. م (اسپیکلبرگ، ص ۱).



دکتر ناصر میرحسینی

اردوان



۵. فرمانده محافظان شاهی و مقامی با نفوذ در دربار خشیارشای یکم (۴۸۶-۴۶۵ ق. م) شاه هخامنشی. در ۴۶۵ ق. م اردوان با همدستی مهرداد خواجه، حاجب شاه، خشیارشا را به قتل رساند. او سپس اردشیر پسر خشیارشا را متقاعد کرد که داریوش، برادر او، پدرشان را به قتل رسانده است تا خود به سلطنت برسد و به او توصیه کرد، پیش از آن که داریوش بر تخت سلطنت بنشیند، وی را که قاتل پدرشان است، مجازات و خود بر تخت سلطنت جلوس کند. اردشیر با کمک محافظان شاهی، برادرش داریوش را کشت (دیودور، کتاب ۹، فصل ۶۹، بند ۵-۱).

به گفته ارسطو، اردوان ابتدا داریوش را به دار آویخت و سپس خشیارشا را کشت (کتاب ۵، فصل ۸، بند ۱۴). به این ترتیب، اردشیر با کمک اردوان به سلطنت رسید (کتزیاس، بند ۳۰). ولی قدرت واقعی تا مدتی در دست اردوان بود. چنان که ماتو او را جزو شاهان ایران دانسته است که پس از خشیارشا، به مدت هفت ماه سلطنت کرد (قطعه ۷). پلوتارخ، اردوان را وزیر اعظم ایران خوانده و ذکر کرده است که تمیستوکلس، دریاسالار قراری یونانی، هنگام ورود به ایران توانست به واسطه همسر اتریبایی اردوان، ابتدا به حضور اردوان برسد و با او گفت و گو کند (تمیستوکلس، بند ۲۷). اردوان پس از مدتی در صدد قتل اردشیر برآمد، ولی اردشیر در جدالی اردوان را به قتل رساند (دیودور، کتاب ۹، فصل ۶۹، بند ۶-۵) سه پسر اردوان نیز در جنگ کشته شدند (کتزیاس، بند ۳۰).

۶. افسری ایرانی در مهاجر نشین نظامی الفاتین در مصر در ۴۶۵ ق. م (کاولی، ص ۱۶-۱۵).

۷. والی باختر در زمان سلطنت اردشیر اول، شاه هخامنشی (۴۲۴-۴۶۵ ق. م). وی بر ضد اردشیر اول سر به شورش برداشت. جنگ نخست میان اردشیر و اردوان بی نتیجه بود، و در جنگ دوم اردشیر اردوان پیروز و باختر تسلیم شد (کتزیاس، بند ۳۱).

۸. اردوان یکم، شاه اشکانی از ۱۲۴-۱۲۷ ق. م، پسر فریابت و عموی فرهاد دوم، شاهان قلی. پس از کشته شدن فرهاد دوم در جنگ با سکاها، اشراف پارتی اردوان را به سلطنت نشانند (یوستینوس، کتاب ۴۲، بند ۲). اردوان به جنگ طخاری ها رفت و در جنگ کشته شد (یوستینوس، همان جا).

۹. اردوان دوم، شاه اشکانی از ۱۶ تا ۳۸ میلادی. او در میان قوم داهه در ناحیه خزری بزرگ شد. در زمان سلطنت ونون یکم (۸-۱۶ میلادی) شاه اشکانی، شاه ماد آتروپاتن بود. بزرگان پارتی که از ونون ناراضی بودند، در ۱۶ میلادی بر ضد او قیام کردند و اردوان را به سلطنت فرا خواندند (تاکیتوس، کتاب ۲، بند ۳). اردوان پذیرفت و به جنگ ونون رفت، ولی از ونون شکست خورد. اما بار دوم بر او پیروز شد و به سلطنت اشکانی رسید. ونون به ارمنستان

گریخت (یوزفوس، کتاب ۱۸، بند ۴۹-۴۷) و اهالی ارمنستان او را به سلطنت ارمنستان نشانند (تاکیتوس، کتاب ۲، بند ۴). اردوان رومیان را تهدید کرد که اگر سلطنت ونون بر ارمنستان را تأیید کنند، با آن ها خواهد جنگید. بخشی از بزرگان ارمنستان نیز با نیروهای خود به اردوان پیوستند و ونون به حاکم رومی سوریه پناهنده شد (یوزفوس، کتاب ۱۸، بند ۵۲-۵۰).

در ۱۹ میلادی دو برادر یهودی به نام های آسینه و آئیله در رأس گروهی مسلح در بین النهرین، به باجگیری و اعمال سلطه پرداختند (یوزفوس، کتاب ۱۸، بند ۳۱۸-۳۱۵) و قوای والی بابل را شکست دادند. اردوان آن ها را امان داد و حکومت بابل را به آسینه سپرد تا آن جا را از غارت و تجاوزات حفظ کند (همان، بند ۳۳۷).

در ۳۴ میلادی پس از درگذشت زنو شاه ارمنستان، اردوان بر ارمنستان سلطه یافت و ارشک، پسر ارشد خود را به شاهی ارمنستان نشانند (تاکیتوس، کتاب ۶، بند ۳۱). سپس کوشید تا کابادوکیه را تصرف کند (دیو، کتاب ۵۸، بند ۲۶). وی همچنین فرستادگانی به مطالبه گنجینه ونون به سوریه و کلیکیه اعزام کرد. ضمناً با جملاتی تهدیدکننده مدعی سرزمین های تحت سلطه سلسله های هخامنشی و مقدونی شد. همچنین به سرکوب و تهدید بزرگان پارتی پرداخت. در ۳۵ میلادی بزرگان پارتی از دولت رم تقاضا کردند، فرهاد شاهزاده اشکانی را که در رم اقامت داشت، برای سلطنت به ایران بفرستد. (تاکیتوس، کتاب ۶، بند ۳۱). تیریوس، امپراتور رم، فرهاد را به کرانه رود فرات فرستاد (دیو، کتاب ۵۸، بند ۲۶).

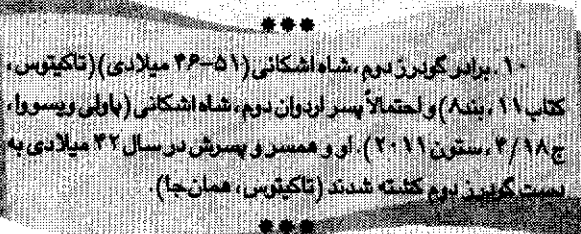
در این بین، فرهاد در سوریه بیمار شد و درگذشت. در این زمان تیریوس، مهرداد شاه ایبری را به حمله به ارمنستان برانگیخت و ملازمان ارشک، شاه ارمنستان و پسر اردوان، به تحریک مخالفان، ارشک را کشتند و آرتاکساتا پاتخت ارمنستان به تصرف ایبرایی ها درآمد. اردوان پسرش ارد را برای گرفتن انتقام اعزام کرد. آلبانیایی ها و سرمت ها در صف دشمنان اردوان درآمدند و سرمت ها به ارمنستان هجوم بردند (تاکیتوس، کتاب ۶، بند ۳۳-۳۲). ارد در جنگ زخمی شد و ایرانیان شکست خوردند. (یوزفوس، کتاب ۵۸، بند ۹۸-۹۷). به تحریک ویتلیوس، حاکم رمی سوریه، بزرگان پارتی بر ضد اردوان قیام کردند و او به هیرکانیا گریخت (تاکیتوس، کتاب ۶، بند ۳۶).

در این زمان که بزرگان پارتی به تغییر شاه مایل بودند، ویتلیوس حاکم رمی سوریه، تیرداد، شاهزاده اشکانی را برای این امر به ایران فرستاد (دیو، کتاب ۵۸، بند ۲۶) و بزرگان مخالف اردوان با نیروهای خود به او پیوستند (تاکیتوس، کتاب ۶، بند ۳۷). اهالی سلوکیه که بر ضد اردوان شورش کرده بودند، از تیرداد استقبال کردند. اردوان در گذشته قدرت را در سلوکیه از مردم سلب کرده و به اشراف سپرده بود و تیرداد حکومت سلوکیه را به دست مردم سپرد.

اهالی سلوکیه هم اردوان را دشنام دادند که از طرف مادر اشکانی و از طرف پدر پست است. تیرداد قلعه ای را که اردوان پول ها و حرم خود را در آن نهاده بود، تصرف کرد. تا این که گروهی از بزرگان پارتی

که مخالف تیرداد بودند، به هیرکانیا به دیدار اردوان رفتند و خواستار بازگشت او به سلطنت شدند (همان، بند ۴۳-۴۲). اردوان سپاهی از داهه‌ها و سکاها گردآورد (یوزفوس، کتاب ۱۸، بند ۱۰۰) و حرکت کرد. تیرداد از مقابل او عقب‌نشینی کرد (دیو، کتاب ۵۸، بند ۲۶) و جمعی از قوای او به اردوان پیوستند و تیرداد به سوریه رفت (تاکیتوس، کتاب ۶، بند ۴۴) و اردوان دوباره به سلطنت نشست (یوزفوس، کتاب ۶، بند ۴۴) و اردوان دوباره به سلطنت نشست (یوزفوس، کتاب ۱۸، بند ۱۰۰).

در ۳۷ میلادی، اردوان در صدد حمله به سوریه بود، اما وتیلیوس، حاکم رومی سوریه به اردوان حمله کرد و پیمان صلحی به سود رم با او بست و پسران او را گروگان گرفت (دیو، کتاب ۵۹، بند ۲۷). سپس بزرگان پارتی بر ضد اردوان توطئه کردند و او به نزد ایزات شاه آدیانه گریخت (یوزفوس، کتاب ۲۰، بند ۵۴). بزرگان پارتی کینام را به سلطنت نشانند. ایزات هم به مکاتبه با بزرگان پارتی برای بر تخت نشاندن دوباره اردوان پرداخت. آن‌ها پذیرفتند و کینام خود از اردوان برای جلوس دوباره دعوت کرد و اردوان این چنین به یاری ایزات به سلطنت بازگشت. اردوان در مقابل، امتیازات خاص شاهان اشکانی را به ایزات اعطا کرد و سرزمین نی‌سی بیس را به او داد. کمی بعد در ۳۸ میلادی، اردوان درگذشت (همان، بند ۶۹-۶۲).



۱۰. برادر کوچک‌تر سوم، شاه اشکانی (۵۱-۴۶ میلادی) (تاکیتوس، کتاب ۱۱، بند ۸) و احتمالاً پسر اردوان دوم، شاه اشکانی (پاولینیوس، ج ۴/۱۸، ستون ۲۰-۱۱). او و همسرش پسرش در سال ۳۲ میلادی به دست کوربوز دوم کشته شدند (تاکیتوس، همان جا).

۱۱. اردوان سوم، شاه اشکانی که در ۸۰ میلادی در سلوکیه سکه زد (کالج، ص ۳۰). در این زمان یک آسیایی به نام ترتیوس ماکسیموس خود را ترون، امپراتور سابق رم خواند و با پیروان خود به سوی فرات پیشروی کرد. ولی سرانجام به اردوان پناهنده شد و اردوان او را پناه داد و برای بازگشت به رم مجهز ساخت (دیو، کتاب ۴۶، بند ۱۹). اردوان کم‌تر از یک سال در بین‌النهرین دوام آورد (سلوود، ص ۲۹۵) و به زودی از تخت سلطنت فرو افتاده شد (کالج، ص ۳۰). سکه‌هایی چهار درواخی از اردوان باقی مانده‌اند (سلوود، ص ۲۹۵). روی این سکه‌ها نقش نیم تنه او دیده می‌شود (روث، ص ۲۰۳).

۱۲. اردوان چهارم، شاه اشکانی از ۲۱۱ تا ۲۲۴ میلادی، پسر بلاش پنجم، شاه اشکانی. پس از درگذشت بلاش پنجم، میان پسران او و اردوان چهارم، جنگ قدرت درگرفت و اردوان چهارم در غرب ایران و بلاش ششم در شرق ایران، به طور همزمان فرمانروایی یافتند (راولینسون، ص ۳۴۹-۳۴۸).

در ۲۱۶ میلادی کاراکالا، امپراتور رم، دختر اردوان را خواستگاری کرد و خواستار اتحاد دو کشور شد. اردوان درخواست او را رد کرد (هرودیان، کتاب ۲، فصل ۱۰، بند ۵-۱). اما کاراکالا

تقاضای خود را تکرار کرد و این بار اردوان با این ازدواج موافقت کرد. کاراکالا به ایران آمد و اردوان به ملاقات او رفت. در این زمان، با علامت کاراکالا سپاهیان او دست به کشتار ایرانیان که بی سلاح بودند، زدند. اردوان را محافظان او نجات دادند و کاراکالا پس از قتل عام ایرانیان، همراه با غنایم و اسرا عقب‌نشینی کرد. سر راه، روستاها و شهرها را غارت و ویران کرد و بین‌النهرین را به تصرف درآورد (همان، فصل ۱۱، بند ۸-۱). همچنین آربلا را تصرف کرد و در آن جا مقبره‌های شاهان اشکانی را تخریب کرد (دیو، کتاب ۷۸، بند ۱). اردوان به گردآوری سپاه اقدام کرد (همان، بند ۳). کاراکالا در ۲۱۷ میلادی به دست یکی از افرادش کشته شد و ماکرینوس، امپراتور شد (هرودیان، کتاب ۴، فصل ۱۴، بند ۳). ماکرینوس هنگامی که سپاه عظیم اردوان را دید، اسرای ایرانی را نزد او فرستاد و پیشنهاد صلح کرد. اردوان پیشنهاد او را نپذیرفت. به علاوه از او خواست که قلعه‌ها و شهرهای ویران شده را بازسازی کند، از سراسر بین‌النهرین خارج شود و برای تخریب مقبره‌های شاهان و ویرانی‌های دیگر غرامت پردازد (دیو، کتاب ۷۸، بند ۲۶). به این ترتیب، بین طرفین جنگ درگرفت (هرودیان، کتاب ۴، فصل ۱۵، بند ۵-۱) و ماکرینوس شکست خورد (دیو، کتاب ۷۸، بند ۲۶). چندی بعد اردشیر در پارس قیام کرد و سپس از فتح پارس و کرمان و سواحل خلیج فارس و خوزستان، سرانجام در ۲۲۴ میلادی به جنگ اردوان رفت (الطبری، ص ۴۰-۳۸) و در سه جنگ بر او پیروز و اردوان کشته شد (دیو، کتاب ۷۹، بند ۳).

۱۳. والی دماوند در زمان سلطنت شاپور یکم، شاه ساسانی (۲۷۲-۲۴۱ میلادی) نام وی در کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت به صورت «اردوان دنیاوند» ذکر شده است (لوکونین، ص ۱۰۳).

۱۴. سرداری در زمان سلطنت شاپور دوم، شاه ساسانی (۳۷۹-۳۰۹ میلادی) در ۳۶۴ میلادی، شاپور دوم اداره امور ارمنستان را به اردوان و سیلاک سپرد و به آن دو فرمان داد که شهر آرتوگراسا، محل خزانه ارشک، شاه سابق ارمنستان را ویران کنند. این دو موفق به تصرف شهر نشدند (آمینوس مارسلینوس، کتاب ۲۷، بند ۶-۵). در این زمان پاپا، پسر ارشک، نزد والنس، امپراتور بیزانس رفت. اردوان و سیلاک با اعزام فرستادگانی نزد والنس، از او خواستند که پاپا را به عنوان شاه نزد آن‌ها بفرستد و والنس هم این کار را کرد. شاپور به ارمنستان حمله برد و اردوان و سیلاک و پاپا از ترس او به ناحیه مجاور لازیکا گریختند (همان، بند ۱۱-۸). شاپور با وعده اتحاد با پاپا او را به کشتن اردوان و سیلاک برانگیخت و پاپا اردوان و سیلاک را به قتل رساند (همان، بند ۱۴). اردوان از خاندان کارن بود (یوستی، ص ۱۵۷).

۱۵. از اعضای خاندان اشکانی ارمنستان وجد خاندان مایکتس در آدریانوپل که در ۴۷۱ میلادی به بیزانس رفت (همو، ص ۳۲).

منابع

۱. الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر. تاریخ الطبری. الجزء الثانی. الطبعة الثانیة. ۱۹۶۸.
۲. لوکونین و لادیمیر. تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت‌الله رضا. چاپ سوم. ۱۳۷۲.
3. Ammianus Marcellinus, tr. John C. Rolfe, London, 1972.
4. Aristotle, Politics, tr. H. Rockham, London, 1972.
5. Colledge, M. A. R., Parthians, London, 1967.
6. Cowley, A., Aramaic Papyri of the fifth century B.C., Oxford, 1923.
8. Dandamayev, M. A., "Artabanus", Encyclopaedia Iranica, Vol. 2, p. 647.
9. Dio, Roman History, tr. Earnest Cary, London, 1969.
10. Diodorus Siculus, ed. Dindorf, Paris, 1843-1844.
11. Hallock, R. T., Persepolis Fortification Tablets, Chicago, 1969.
12. Herodian, tr. C. R. Whitaker, London, 1969.
13. Herodotus, tr. A. D. Godley, London, 1969.
14. Josephus, Jewish Antiquities, tr. Louis H. Feldman, London, 1970.
15. Justi, F., Iranisches Namenbuch, Hildesheim, 1963.
16. Justinus, London, 1970.
17. Ktesias von Knidos, Die Persika, 1972.
18. Manetho, Aegyptiaca, tr. W. G. Waddell, London, 1971.
19. Pauly-Wissowa, Vol. XVIII/4, 1983.
20. Plutarch, Lives, tr. Bernadotte Perrin, London, 1968.
21. Plutarch, Moralia, tr. W. C. Helmbold, London, 1970.
22. Procopius, History of the wars, tr. H. B. Dewing, London, 1954.
23. Rawlinson, G., The sixth great oriental monarchy, or the geography, history and antiquities of Parthia, London, 1873.
24. Selwood, D., "Parthian coins", Cambridge History of Iran, Vol 3(1), Cambridge, 1983, p. 295.
25. Spiegelberg, W., Die demotischen Papyri Loab, Munich, 1931.
26. Tacitus, Annals, tr. John Jackson, London, 1969.
27. Wroth, W., Catalogue of the Coins of Parthia, London, 1903.

۱۶. سردار بیزانسی که ارمنی و از خاندان اشکانی بود (پروکوپئوس، کتاب ۴، فصل ۲۴، بند ۲). به هنگام جوانی، آکاسیوس، حکمران ارمنستان را کشته (همان، بند ۱۷) و سیتاس، سردار بیزانسی را در ۵۳۹ میلادی در جنگی میان ارامنه و بیزانس به قتل رساند (همان، کتاب ۲، فصل ۳، بند ۲۵). خسرو انوشیروان، شاه ساسانی (۵۷۹-۵۳۱ میلادی) وی را به واسطه این اعمال شناخت و همراه او در جنگ با بیزانسی‌ها شرکت کرد (همان، کتاب ۴، فصل ۲۷، بند ۱۷). اردوان پس از مدتی ارتش ایران را ترک کرد و به شکل یک فراری، همراه عده‌ای از ارامنه نزد بیزانسی‌ها رفت. یوستینین امپراتور بیزانس در ۵۴۴ میلادی به هنگام اعزام سربازانی به لیبی، عده‌ای از ارامنه را تحت فرماندهی اردوان و برادرش یوهان، با سپاهیان همراه کرد (همان، فصل ۲۴، بند ۲). در ۵۴۹ میلادی اردوان به مقام سردار کل لیبی منصوب شد (همان، کتاب ۷، فصل ۳۱، بند ۴). در همین سال ارشک حکمران برکنار شده ارمنستان اردوان را بر ضد یوستینین تحریک کرد. اردوان پذیرفت و با ارشک و یارانش در توطئه همراه شد (همان، فصل ۳۲، بند ۵-۱۳). یوستینین هم از توطئه آگاهی یافت (همان، بند ۴۲) و اردوان را از مقامش برکنار کرد (همان، بند ۵۱).

در ۵۵۰ میلادی، یوستینین اردوان را از همه اتهامات تبرئه و سردار سپاه در تراکیه کرد و سپاهی در اختیار او گذارد و او را به سیسیل فرستاد و به او دستور داد که در آن جا فرماندهی نیروی دریایی را از لیبریوس، سردار دیگر تحویل بگیرد (همان، فصل ۳۹، بند ۸). اردوان در نزدیکی کالابریا دچار طوفان شد و بخشی از ناوگان او غرق شدند. خود او به حالت رسیده و نجات یافت (همان، فصل ۴۰، بند ۱۷-۱۵). چندی بعد یوستینین اردوان را به فرماندهی کل سپاه بیزانس در سیسیل گمارد. او گوت‌ها را در استحکامات آن‌ها محاصره کرد و آن‌ها را شکست داد و مطیع ساخت (همان، کتاب ۸، فصل ۳۴، بند ۳-۲).

۱۷. فردی اهل ارمنستان ایران در دوران ساسانی که از موطن خود گریخت و به ارمنستان تحت تابعیت بیزانس رفت. بعد برای آن‌که وفاداری خود را به بیزانس ثابت کند، به تقاضای خود پنجاه بیزانسی را با او همراه کردند و او با آنان به سمت پادگان ایرانی در ارمنستان ایران رفت. ایرانی‌ها آنان را گرفتند به داخل پادگان بردند. کمی بعد اردوان و بیزانسی‌ها با حمله به ایرانی‌ها، تمام یکصد و بیست سرباز ایرانی پادگان را کشتند و ثروت قلعه را غارت کردند. اردوان این چنین وارد ارتش بیزانس شد و در جنگی بین بیزانس و ایران در ۵۵۰ میلادی، یک ایرانی بلندپایه را هم به قتل رساند (همان، فصل ۸، بند ۲۶-۲۱).

۱۸. سرداری ایرانی در زمان سلطنت خسرو انوشیروان ۵۷۹-۵۳۱ میلادی) و نیز در زمان سلطنت هرمزد چهارم شاهان ساسانی (۵۹۰-۶۷۹ میلادی) (یوستی، ص ۳۲).